



○ حوزه انقلابی و مولفه‌های ثابت و متغیر آن

مقام معظم رهبری در واپسین روزهای ۱۳۹۴، از «حوزه انقلابی» و ضرورت حفظ و تداوم آن سخن به میان آوردند. این تعبیر بیش از هر چیزی نداعی کننده مناسبات حوزه علمیه و انقلاب اسلامی بود که نوعی مرزبندی مفهومی درمیان دوگونه «سیاست پرهیزی حوزوی» و «سیاست زدگی حوزوی» را نشان می‌داد. حوزه انقلابی براین اساس، چنان ارتباط وثیقی میان انقلاب اسلامی و رسالت حوزه علمیه برقرار می‌نماید که نه در گردونه سیاست پرهیزی به انزوای سیاسی مبتلا می‌گردد و نه در ورطه سیاست زدگی از عقلانیت سیاسی دور می‌شود.

اگرچه چنین برداشتی از حوزه انقلابی در درنگ نخستین موجّه می‌نماید، به نظر می‌رسد نیازمند تحلیل مفهومی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر است. روشن‌سازی مفهومی حوزه انقلابی، بی‌شک نیازمند توجه بیشتر در ابعاد و زوایای مفهومی آن از یک سو و نسبت سنجی آن با دیگر مفاهیم از سوی دیگر است. تحلیل مذکور ابعاد گوناگون این مفهوم را آشکار ساخته و قضاوت و داوری درباره وضعیت کنونی حوزه علمیه و نیز ترسیم آینده‌ای مطلوب برای حوزه علمیه در جهت اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را ممکن می‌سازد.

دفتربلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در همایش «حوزه و انقلاب» به واری این مهم پرداخت و با طرح نگاه‌های متفاوت چگونگی حوزه انقلاب را بررسیید. در اینجا نگاه استاد فرهیخته دکتر احمد واعظی درباره مؤلفه‌های ثابت و متغیر حوزه انقلابی؛ و نظرات استادگرامی دکتر نجف لکزایی در مسئولیت ملی و فراملی حوزه انقلاب فرادیدتان می‌نهمیم.

اسلام دارای تأکیدها و آموزه‌های معطوف به حوزه اجتماع و سیاست است. این مسئله جزء خمیرمایه و ذاتیات اسلام می باشد. در مقابل دیدگاهی وجود دارد که با بینش سکولاریستی، اسلام را منهای سیاست و بُعد سیاسی تفسیر می کند که پیوند بین اسلام و سیاست را پیوند تاریخی می داند.

اسلامی از ممیزه‌ها و مؤلفه‌های تمایزبخش حوزه انقلابی است.

حوزه انقلابی؛ مؤلفه‌های بینشی و عمل کردی

وقتی از مشترکات بحث می کنیم، یعنی مؤلفه‌های ثابت انقلابی بودن در حوزه‌ها، این مؤلفه‌ها را به دو سطح بینشی و عملکردی می توان تقسیم کرد، یعنی کسی که واجد این مؤلفه‌های بینشی و عملکردی باشد انقلابی است، چه قبل از انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب و در شرایط حاضر.

الف) مؤلفه‌های بینشی:

این مؤلفه‌ها را می توان در قالب چند ویژگی اصلی خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

۱. باور به پیوند ذاتی اسلام و سیاست؛ این دیدگاه، این که اسلام مشتمل بر بُعد سیاسی است، بدین معناست که اسلام دارای تأکیدها و آموزه‌های معطوف به حوزه اجتماع و سیاست است. این مسئله جزء خمیرمایه و ذاتیات اسلام می باشد. در مقابل دیدگاهی وجود دارد که با بینش سکولاریستی، اسلام را منهای سیاست و بُعد سیاسی تفسیر می کند که پیوند بین اسلام و سیاست را پیوند تاریخی می داند. برخی صاحب

برای فهم حوزه انقلابی، اشاره به برخی از مؤلفه‌های ثابت و متغیر آن ضروری است. بی شک حوزه انقلابی یک واژه نوپدید است که همگام با انقلاب اسلامی شکل گرفت، یعنی پیش از آغاز نهضت انقلابی مردم ایران مفهومی به نام حوزه انقلابی در ادبیات حوزویان و دیگران نبود. اگر در گذشته سخن از حوزه مطلوب می شد، اما از انقلابی بودن به عنوان یکی از مؤلفه‌های حوزه مطلوب ذکری به میان نمی آمد. این یک پدیده نوظهور و ترکیب جدیدی است، که در میانه حوزه و انقلاب اسلامی پدید آمده است. به نظر می رسد حوزه انقلابی دو مقطع متفاوت را پشت سر گذاشته است:

۱. حوزه انقلابی پیش از پیروزی انقلاب؛

۲. حوزه انقلابی بعد از پیروزی انقلاب؛ یا حوزوی انقلابی پیش از انقلاب و حوزوی انقلابی بعد از انقلاب.

واقعیت این که این دو مقطع یک وجوه مشترک و یک وجوه افتراقی دارند، که در ابتدا به وجوه مشترک یعنی آن مؤلفه‌های ثابت و مشترک انقلابی بودن حوزه، اشاره خواهد شد. سپس به مؤلفه‌های متغیر، یا مؤلفه‌های خاص پرداخته خواهد شد؛ مؤلفه‌هایی که نشانگر وجوه تمایز برای حوزه پیش از انقلاب و پس از انقلاب از وجوه ممیزه است، به طور مثال تثبیت نظام

به نظر می رسد حوزه انقلابی دو مقطع متفاوت را پشت سر گذاشته است:

۱. حوزه انقلابی پیش از پیروزی انقلاب؛

۲. حوزه انقلابی بعد از پیروزی انقلاب؛

یا حوزوی انقلابی پیش از انقلاب و

حوزوی انقلابی بعد از انقلاب.

وظیفه حوزه، روحانیت، فقیه و فقاقت
آن است که تلاش کنند جامعه اسلامی
وفق آموزه‌ها و ارزش‌ها و احکام اسلامی
سامان یابد.

از تأسیس نظام اسلامی است، چراکه دفاع،
حمایت و پشتیبانی از یک نظام می‌تواند اعتقادی
و یا پراگماتیستی و عمل‌گرایانه باشد. بنابراین
چنان‌چه دفاع از نظام و یا تلاش برای فروپاشی
آن برپایه دلایل غیردینی و مصلحت بشری رخ
دهد، کنشی عمل‌گرایانه است؛ نظیر رویکردی که
امروزه در فضای لیبرالیستی وجود دارد و به دلایل
سیاسی از لیبرالیسم حمایت می‌شود، مثلاً «ریچارد
رورتی» که از نوپراگماتیست‌هاست و یا «جان رالز»
در اندیشه متأخر خودش از لیبرالیسم و یا لیبرالیسم
سیاسی دفاع می‌کند، دفاع آنان به پشتوانه
استدلالات‌های فلسفی و یا مبانی نظری نمی‌باشد،
بلکه به دلایل عمل‌گرایانه و پراگماتیستی رخ داده
است.

حوزه انقلابی دارای این سه بینش است و
نتیجه اعتقاد به این سه بینش، دفاع و پشتیبانی
اعتقادی از جمهوری اسلامی و نظام سیاسی
برآمده از انقلاب اسلامی می‌باشد. در مقابل، دفاع
عمل‌گرایانه به دلایل سیاسی و یا جایگزین‌های
دیگری غیر از اصول اعتقادی رخ می‌دهد و
پیامدهای عملی در آن اهمیت دارد. در این صورت
با تمسک به دفاع غیراعتقادی نمی‌توان از حوزه
انقلابی سخن گفت. حوزه انقلابی برپایه آن سه
محور بینشی که اشاره شد از نظام سیاسی برآمده
از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند.

۴. اعتقاد به ظلم‌ستیزی و مسئولیت‌های
اجتماعی حوزه و روحانیت در عرصه بین‌المللی
در مواجهه با سلطه کفار و استکبار؛ عنصر بینشی

نظران و نویسندگان اسلامی معتقدند: اسلام در
تجربه تاریخی خود پیوندی با سیاست ایجاد
کرده است، یعنی پیامبر حکومت تشکیل دادند،
بعد از او هم نظام خلافت شکل گرفت و اسلام
با سیاست پیوند خورد. اما این پیوند ذاتی و
برآمده از محتوای دین نیست، یک اتفاق تاریخی
است؛ به عبارت دیگر، مردم زمانه رسول‌الله (ص)،
علاوه بر زعامت دینی زعامت سیاسی ایشان هم
پذیرفتند و این پیوند ایجاد شد. بنابراین یک
اتفاق تاریخی و نه برخاسته از درون دین است.
پس حوزه انقلابی، حوزه‌های است که به لحاظ
بینشی، پیوند بین اسلام و سیاست را یک پیوند
ذاتی و برآمده از درون محتوای اسلام می‌داند.

۲. اعتقاد به ولایت فقیه؛ بینش دوم که از
ممیزات حوزه انقلابی است، برای فقیه عادل
جامع‌الشرایط علاوه بر شئونی مانند افتا،
استنباط و فقاقت، شأن ولایت هم قائل باشد و
وی را صاحب ولایت بداند و در قلمرو ولایت - فراتر
از امور حسیه - آن مقدار محدود از ولایت که عمده
فقه‌های شیعه قبول دارند. به ولایت عامه فقیه
عادل جامع‌الشرایط معتقد باشد.

۳. اعتقاد به لزوم تلاش برای پیاده‌کردن احکام
و ارزش‌های اسلامی؛ وظیفه حوزه، روحانیت،
فقیه و فقاقت آن است که تلاش کنند جامعه
اسلامی وفق آموزه‌ها و ارزش‌ها و احکام اسلامی
سامان یابد.

نتیجه این سه جنبه بینشی، دفاع اعتقادی

پس حوزه انقلابی، حوزه‌های است که
به لحاظ بینشی، پیوند بین اسلام و
سیاست را یک پیوند ذاتی و برآمده از
درون محتوای اسلام می‌داند.

دیگر که از مؤلفه‌های ثابت حوزه انقلابی به شمار می‌آید، ستیز باظلم، استکبار و طاغوت است - چه طاغوت داخل در پیش از انقلاب و چه طاغوت خارجی بعد از انقلاب - این امر بینشی و اعتقادی است.

۵. زمان شناس و آگاه به جغرافیای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی زمانه؛ حوزوی انقلابی باید جغرافیای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی عصر و زمانه خودش را بشناسد و دارای بینش اجتماعی و سیاسی لازم باشد.

ب) مؤلفه‌های عملکردی و رفتاری

بعضی از مؤلفه‌های عمل‌کردی و رفتاری عبارت‌اند از:

۱. مجاهد بودن و آمادگی برای فداکاری در راه خدا و آرمان‌های اسلامی؛ اصولاً انقلابی بودن، یعنی مجاهدت، فداکاری و از خودگذشتگی. حوزه انقلابی پیش از انقلاب یعنی تبعید، زندان، شکنجه و مجاهده، بعد از انقلاب هم جنس این هزینه‌ها تفاوت دارد، به طوری مثال به جای مبارزه با نظام استبدادی، در کنار نظام اسلامی باید به ستیز با نظام‌های سلطه‌گر پرداخت یا برای آبادانی جامعه اسلامی باید از جان مایه گذاشت؛

۲. حق‌طلبی، حق‌مداری و عدالت‌طلبی؛ این‌ها هم از ویژگی‌های حوزوی انقلابی است؛

۳. پناه و یاور محرومان و مستضعفان؛ این ویژگی‌های اساسی عمل‌کردی حوزه انقلابی است، چراکه این‌ها مؤلفه‌های ثابت هستند، مؤلفه‌هایی که مقطع قبل و بعد از انقلاب نمی‌شناسند؛

۴. رصد رویدادهای جامعه و امت اسلامی و حساس بودن نسبت به وضعیت جوامع اسلامی؛ یعنی بی تفاوت نبودن به آنچه که بر جامعه اسلامی می‌گذرد؛

۵. عدم انزواطلبی و عدم اکتفا به فعالیت‌های مذهبی سنتی و مناسکی؛ یعنی چه پیش از انقلاب

عنصر بینشی دیگر که از مؤلفه‌های ثابت حوزه انقلابی به شمار می‌آید، ستیز باظلم، استکبار و طاغوت است - چه طاغوت داخل در پیش از انقلاب و چه طاغوت خارجی بعد از انقلاب - این امر بینشی و اعتقادی است.

و چه بعد از انقلاب در میان روحانیون عده‌ای بودند که رسالت حوزه و روحانیت را در تصدی امور مناسکی خلاصه می‌کردند؛ اداره یک مسجدی را برعهده داشتند و تنها به ارتباط با مؤمنان و انجام مناسک مذهبی مثل عزاداری و نظیر اینها اهمیت می‌دادند. شعاع فعالیت آن‌ها در تصدی‌گری امور مناسکی خلاصه می‌شد و نسبت به رسالت‌های اجتماعی و سیاسی که باید روحانیت عهده‌دار شود بی تفاوت بودند.

تمایز حوزه در دو زمانه (پیش و بعد از انقلاب)

پس از شناخت مؤلفه‌های بینشی و عمل‌کردی مشترک، آنچه اهمیت بیشتری دارد، پرداختن به مؤلفه‌های اختصاصی حوزه بعد از انقلاب است. بی‌گمان میان حوزه انقلابی در این دو زمانه تفاوت وجود دارد. به طور مثال، حوزه انقلابی در زمانه پیش از انقلاب، مطالب‌گر بوده و نسبت به وضع موجود پرخاشگر و معترض بوده است. حوزه انقلابی قبل از انقلاب فروپاشی نظم مستقر و موجود تلاش می‌کرد، در آن زمان، انقلابی بودن یعنی ستیزه‌گر بودن و برهم زنده نظم موجود. اما حوزه انقلابی در زمانه پس از انقلاب مسئولیت ایجاد نظم جدید را برعهده دارد، این دو با هم متفاوتند. حوزه قبل از انقلاب حوزه مطالبه‌گر، معترض و برهم زنده نظم موجود بود و حوزه انقلابی امروز باید پاسخگو باشد، و

معظم انقلاب و مرحوم هاشمی رفسنجانی و دیگر کسانی که پیشتازان انقلاب بودند و حلقه فکری و عملیاتی اطراف حضرت امام را تشکیل می دادند پی ریزی شد. شهید بهشتی و دیگران جریان هسته اولیه تکون یک گفتمان را تشکیل دادند و بنیان انقلاب اسلامی و پس از آن نظام جمهوری اسلامی را در ایران پی ریختند. استمرار این گفتمان تا امروز مرهون پویای نظری فراوانی است که در شاخه های مختلف مطالعات سیاسی و مطالعات مربوط به انقلاب به انجام رسیده است و امروز شاهد تولید پشتوانه های دانشی آن هستیم. در حال حاضر یک ظرفیت بزرگ و یک امر معنایی قویم به اسم گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد شده است. یعنی در بُعد نظری و بُعد معنایی، بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران تکوین یک نظام معنایی به اسم گفتمان انقلاب اسلامی می باشد، که از قضا قدرت اصلی نظام جمهوری اسلامی نیز همین گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می آید. بنابراین در کنار قدرت

برگ برنده اصلی جمهوری اسلامی، قدرت معنایی اش می باشد. این قدرت معنایی همان گفتمان انقلاب اسلامی و رسالت حوزه امروز است. حوزه انقلابی یکی از وظایف اصلی اش، صیانت از این قدرت معنایی و به تعبیری گفتمان انقلاب اسلامی می باشد. چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، در حوزه مخالفینی در مقابل حرکت انقلابی حوزه وجود داشته اند که حضرت امام (ره) بارها این مطلب را به ویژه در منشور روحانیت گوشزد کرده اند.

حوزه انقلابی در این دو زمانه تفاوت وجود دارد. به طور مثال، حوزه انقلابی در زمانه پیش از انقلاب، مطالب گر بوده و نسبت به وضع موجود پرخاشگر و معترض بوده است. حوزه انقلابی قبل از انقلاب فروپاشی نظم مستقر و موجود تلاش می کرد، در آن زمان، انقلابی بودن یعنی ستیزه گر بودن و برهم زنده نظم موجود. اما حوزه انقلابی در زمانه پس از انقلاب مسئولیت ایجاد نظم جدید را برعهده دارد، این دو باهم متفاوتند.

در ایجاد نظم جدید مشارکت کند. حوزه انقلابی دیروز آرمان گرا و شعار دهنده بود؛ مردم را به سوی آرمان ها و به سمت اهدافی بسیج می کرد. بنابراین انقلابی گری اقتضائاتی داشت اما فضای بعد از انقلاب فضای تحقق آن آرمان ها و جامعه عمل پوشاندن به آن شعارهاست. در فضای امروز نمی شود شعار داد، اگر کسی به عنوان انقلابی شعار بدهد دچار گسست تاریخی شده، و زمان شناس نیست؛ چنین شخصی اقتضائات حوزه انقلابی امروز را نشناخته است. به تعبیر دیگر، اگر ممیزه انقلابی قبل از انقلاب آرمان گرایی بود، حوزه انقلابی امروز باید وجه دانشی اش و ایجابی اش در خدمت به برآورده کردن نیازهای عینی نظام و جامعه، پررنگ باشد.

افزون براین، پیش از انقلاب، حوزه انقلابی تلاش کرد تا هسته اولیه گفتمان انقلاب اسلامی و نظام معنایی آن را ترسیم کند. آغاز چنین تلاشی پیش از انقلاب و با اندیشه های امام و شاگردان ایشان مثل شهید مطهری، شهید بهشتی، رهبر

بایستی بار سنگین دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی و تحقق حکمرانی خوب و مطلوب را در نظام اسلامی بر دوش بکشیم. با حذف و هجمه به یکدیگر و با از میان به درکردن بسیاری از نیروهایی که در دل علاقمند به انقلاب اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند و ممکن است سلیقه‌های سیاسی گوناگونی نیز داشته باشند، نمی‌توان به اهداف انقلاب دست یافت.

نظامی، پیشرفت‌های نظامی و سیاسی که ایجاد شده است، برگ برنده اصلی جمهوری اسلامی، قدرت معنایی‌اش می‌باشد. این قدرت معنایی همان گفتمان انقلاب اسلامی و رسالت حوزه امروز است. حوزه انقلابی یکی از وظایف اصلی‌اش، صیانت از این قدرت معنایی و به تعبیری گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، در حوزه مخالفینی در مقابل حرکت انقلابی حوزه وجود داشته‌اند که حضرت امام (ره) بارها این مطلب را به ویژه در منشور روحانیت گوشزد کرده‌اند. اکنون رسالت حوزه انقلابی در مقابل این مخالفت‌ها، صیانت از این گفتمان و فایق آمدن بر شبهاتی است که گاهی توسط همین افراد در داخل حوزه و چه در بیرون حوزه مطرح می‌شود. این رسالت حوزه انقلابی است. آبخور ته‌اجم به گفتمان انقلاب اسلامی فقط بیرون حوزه نیست، علاوه بر کانون‌های نظری و اتاق فکری که در بیرون حوزه، در جهان، در محافل علمی مختلف حوزه‌های علمیه را آماج حملات خود قرار می‌دهند، در درون حوزه هم مخالفان جدی وجود دارد که معنا و مفهوم‌سازی

و مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی را پی می‌گیرند. از این رو یکی از ممیزه‌های حوزه انقلابی امروز، صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی است.

نکته آخر اینکه انقلابی‌گری و حوزه انقلابی بودن با سیاسی‌کاری و شعارزدگی و نان انقلاب را خوردن سازگار نیست. باید مراقب بود تا انقلاب و انقلابی‌گری و حوزوی انقلابی بودن مصادره نشود. باید در مقابل کسانی که نگاه انحصارگرایانه دارند و به تعبیری دچار یک عجب سیاسی و انقلابی‌گری هستند و فقط نگاه و تصویر محدود خود را از انقلاب و انقلابی‌گری معیار و شاخص انقلابی بودن می‌دانند ایستادگی کرد. نکته مهم اینکه انقلابی بودن در دوران استقرار نظام اسلامی باید چتر خود را بسیار گسترده و فراگیر بر سر حوزویان بگشاید تا چرخه تولید دانش اسلامی مورد نیاز در ابعاد گوناگون به حرکت درآید. بایستی بار سنگین دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی و تحقق حکمرانی خوب و مطلوب را در نظام اسلامی بر دوش کشید. با طرد و هجمه به یکدیگر بسیاری از نیروهایی که در دل علاقمند به انقلاب اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند و ممکن است سلیقه‌های سیاسی گوناگونی نیز داشته باشند، نمی‌توان به اهداف انقلاب دست یافت. این یک هشدار جدی است و نباید با این نوع نگاه به حوزه انقلابی نگرسته شود. اگر با کمال واقع بینی به مسئولیت‌های ملی و فراملی انقلاب اسلامی توجه شود آنگاه خواهیم دانست که باید به گونه حداکثری ظرفیت انقلابی بودن را در حوزه افزایش دهیم و حوزه را به حرکت در آوریم، تا آن گونه که مقام معظم رهبری از حوزه در ایفای نقش تاریخی خودش انتظار دارند بتوانیم، انجام وظیفه کنیم و خلف صالحی برای بنیانگذار انقلاب اسلامی و امام راحل (ره) باشیم، ان شاء الله.